نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه

زهرا تشکر* ـ محمدرضا معینی**

این مقاله خلاصه‌ای است از سخنرانی برگزار شده در مؤسسه مطالعات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس و نویسندگان در آن با طرح سؤالات و موارد انتقادی نسبت به نظریه اقتصاد ارتدوکس (نظریه اقتصاد نئوکلاسیک) دلایل و انگیزه‌های توجه به بحث «سرمایه اجتماعی» را توضیح می‌دهند و سپس با اذعان به این که مفهوم «سرمایه اجتماعی» می‌تواند برخی از شکافهای نظری اقتصاد نئوکلاسیک و دیدگاه‌های توسعه‌ای منتج از آن را به خوبی پر کند، به توضیح مفهوم سرمایه اجتماعی و تاریخچه این نظریه پرداخته و به اختصار دستاوردهای آن را برای توسعه برمی‌شمارند.

مقدمه:

مفهوم «سرمایه اجتماعی» که به تازگی در ادبیات مربوط به علوم اجتماعی اعم از اقتصاد، جامعه‌شناسی، اقتصاد توسعه و غیره وارد شده، مفهومی پیچیده، چند وجهی و بین رشته‌ای است که علیرغم تازگی و پیچیدگی، توجه بسیاری از صاحبنظران حوزه‌های مذکور را به خود جلب کرده و توانسته است از ابهامات و کاستی‌های نظری بحث‌های اقتصادی - اجتماعی تا حد زیادی بکاهد. با این همه به نظر می‌رسد تا تبدیل «مفهوم سرمایه اجتماعی» به «نظریه سرمایه اجتماعی» راه درازی در پیش است.

در ایران این مفهوم نیز مانند بسیاری از مفاهیم می‌رود تا جای خود را نزد روشنفکران و

---

* جامعه شناس و پژوهشگر و کارشناس مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

** اقتصاددان، پژوهشگر و همکار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

اهل سیاست باز کند. گاه ریشه همهٔ مشکلات اقتصادی و اجتماعی فقدان سرمایه اجتماعی ذکر می‌شود و گاه از گوشه‌ای دیگر زمزمهٔ از کف رفتن سرمایه اجتماعی به گوش می‌رسد. صد البته که همهٔ این تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌ها سرمایه اجتماعی را چیزی می‌پندارد که منظور نظر گوینده یا نویسنده است. گاه این مفهوم معادل اعتماد اجتماعی، امنیت، فرهنگ و گاه حتی به غلط معادل سرمایه انسانی تلقی می‌شود. از نظر نویسندگان این مقاله «سرمایه اجتماعی» هر چه هست نباید در ورطهٔ ساده انگاری و رد و قبول مطلق افتد. این مفهوم قابلیت آن را دارد که به برخی از اصلی‌ترین سؤالات ما پاسخ داده و حتی دیدگاه ما را در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی تصحیح کند. اما نباید آن را به حدی تقلیل دهیم که از غنای آن بهره‌ای نظری یا عملی نصیب ما نشود، یا به نحوی تأویل کنیم که کلید همهٔ مشکلات انگاشته شود.

در معرفی و در توضیح دستاوردهای مفهوم «سرمایه اجتماعی»، این مقاله ابتدا با برخی سؤالات و انتقادات درباب اقتصاد ارتدوکس (نئوکلاسیک) و نیز برخی سؤالات دربارهٔ سازماندهی اجتماعی آغاز می‌شود تا انگیزه‌ها و دلایل توجه به بحث «سرمایه اجتماعی» را توضیح دهد و روشن کند که این مفهوم به پرکردن کدام خلأهای نظری کمک می‌کند. پس از آن، ضمن مروری بر تاریخچه، مفهوم‌شناسی و سوابق تحقیقی این بحث، سعی دارد در روشن شدن آن سهمی را ایفا نماید.

چرا باید به بحث سرمایه اجتماعی توجه کرد؟

چه ضرورت و چه انگیزه‌ای توجه به مفهوم «سرمایه اجتماعی» را توجیه‌پذیر می‌سازد؟ در پاسخ به این سؤال به موارد ذیل می‌توان اندیشید:

۱ـ آیا نظریه مطلوبیت با تأکید بر نفع شخصی و حداکثر کردن سود یا ثروت می‌تواند همه وجوه کنش‌های اقتصادی را توضیح دهد؟ در اقتصاد نئوکلاسیک حداکثر کردن مطلوبیت، یگانه انگیزه ورود به فرآیند مبادله و دادوستد است و تنها محرک انتخاب اقتصادی تغییر قیمت‌های نسبی است. البته رجحان‌های انتخاب‌های فردی به عنوان پارامترهای ذهنی و نیز درآمد به عنوان متغیر برون‌زا مطرح است اما در این دیدگاه مطلوبیت یگانه پاسخ کنشهای اقتصادی است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

حال سؤال اینجاست، اگر بپذیریم که انسان موجودی ذاتاً اجتماعی است آیا غیر از حداکثر کردن سود، انگیزهٔ دیگری انسانها را به مبادله و شرکت در بازار تشویق نمی‌کند؟ آیا نمی‌توان به غیر از پی‌جویی نفع شخصی انگیزه دیگری مثلاً شرکت در یک کنش با همنوع را در نظر گرفت؟ اگر انگیزه شرکت در دادوستد را به صورت طیفی در نظر بگیریم که یک سر آن حداکثر کردن نفع شخصی باشد و سر دیگر شرکت در یک کنش جمعی، میانگین افراد جامعه در کجای طیف قرار می‌گیرند؟

۲ـ از دیدگاه روش شناسی اقتصادی، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، به گونه‌ای رفتارشناسی اقتصادی است چراکه انتخاب را عملی مکانیکی می‌داند که یک علت دارد و آن علت هم تغییر قیمت‌های نسبی است و با محقق شدن علت، معلول یعنی انتخاب رخ می‌دهد. عمدتاً این تعریف نیز مورد پذیرش است که علم اقتصاد «رفتارشناسی انتخاب‌های اقتصادی» است. آیا در تبیین انتخاب‌های اقتصادی به جای توجه به رفتار اقتصادی (Economic Behavior) نمی‌توان به صورت تعمیم یافته‌تر و غیر مکانیکی‌تر به کنش اقتصادی (Economic Action) به عنوان کنش اجتماعی توجه کرد؟ در صورت جایگزینی دیدگاه جامعه‌شناختی به جای دیدگاه روانشناسانه مسلط بر رفتارشناسی اقتصادی، تبیین و تفسیر ما از انگیزه‌های انسان‌ها در شرکت در دادوستد به چه صورتی خواهد بود؟

۳ـ یکی از مباحث مهم در اقتصاد نئوکلاسیک تعادل در بازار است. بسیاری از نظریات نئوکلاسیک مانند مدل تعادل عمومی والراس یا تئوری دست نامرئی آدام اسمیت، شرایط رسیدن به تعادل یا هماهنگی (Cordination) را توضیح می‌دهند و در تشخیص این که آیا تعادل وجود دارد یا نه به ما کمک می‌کنند اما هیچیک مشخص نمی‌کنند که رفتار کارگزاران اقتصادی چگونه با یکدیگر هماهنگ می‌شود؟ آنها با در نظر گرفتن شرایطی انتزاعی، عنصر کمابیش متافیزیکی را - مانند دست نامرئی یا حراج‌گذاری که اطلاعات را توزیع می‌کند - برای توضیح هماهنگی به کار برده‌اند. آیا توسل به چنین مفاهیم انتزاعی به این علت نیست که نهادها، ساختارها، ارزش‌ها و یا مفاهیم دیگری که می‌توانند کنش اقتصادی را به مثابه کنش اجتماعی هدایت کنند، در این مدل‌ها وارد نشده‌اند؟

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

۴ـ در اقتصاد نئوکلاسیک، جامعه متشکل از افراد و دولت است. جمع تـولید افـراد و دولت، GNP یا تولید اجتماعی را ایجاد می‌کند. در واقع افراد اتم‌هایی فرض شده‌اند که جمع جبری تولید تک تک آنها تولید کل جامعه را می‌سازد. حال این سؤال مطرح می‌شود، اگر تولید اجتماعی متضمن نوعی همکاری و مشارکت در تولید است، سهم همکاری و مشارکت در تولید در کجا دیده شده است؟ به عبارت بهتر همکاری و مشارکت در افزایش تولید و تأثیر و نقش آن چگونه محاسبه می‌شود؟

۵ـ از نکته بالا می‌توان نتیجه گرفت که براساس دیدگاه نهادگرایان در اقتصاد، در نظریه اقتصاد نئوکلاسیک نهادهای مقوّم سازماندهی اجتماعی (در اینجا مشارکت) دیده نشده است. همین نکته را در مورد تقسیم کار به عنوان یک نهاد نیز می‌توان ذکر کرد. آدام اسمیت تخصصی شدن تولید را نتیجه گسترش بازار می‌دانست و آن را متضمن کارآیی. از نظر وی، تخصصی شدن تولید در واقع متضمن الگو و نهاد تقسیم کار است. سؤال اینجاست که آیا برخی الگوهای تقسیم کار از الگوهای دیگر کارآمدتر نیست؟ اگر چنین است چگونه می‌توان سهم کارآمدتر بودن یک الگوی خاص تقسیم کار را نسبت به الگوی دیگر در تولید جامعه نشان دهیم؟

در دفاع از سؤالات بالا باید گفت اگر بپذیریم که اجتماع مساوی جمع جبری تک تک افرادی که در آن زندگی می‌کنند، نیست، باید برای حیات اجتماعی، جوهری ورای ایـن جـمع جبری در نظر بگیریم. در این صورت در تبیین کنش‌های اقتصادی به متغیرهایی توجه خواهیم کرد که ناشی از آن جوهر و خاصیت حیات اجـتماعی است. یکـی از ایـن مـتغیرها، سـرمایه اجتماعی (Social Capital) است.

کنش اجتماعی و سرمایه اجتماعی

کوچکترین واحد مورد مشاهده جامعه‌شناسی رابطه بین دو فرد یا به عبارت دقـیق‌تر کنش متقابل ناشی از روابط آنهاست. گر چه در تقسیم بندی نحله‌های جامعه‌شناسی، مـفهوم کنش بیشتر در جامعه‌شناسی خُرد مورد مطالعه قرار می‌گیرد اما از کاربرد این مفهوم و اهمیت آن در مباحث جامعه‌شناسی کلان نیز نباید غافل بود. به طور کل این کنش اجتماعی است که در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

جامعه‌شناسی هسته اصلی نظام اجتماعی تلقی می‌شود.

برای درک بهتر، مفهوم کنش اجتماعی را در دو سنت فکری در جامعه‌شناسی پی می‌گیریم: سنت اثباتی (Positivism) و مفهوم کنش از دیدگاه دورکیم و سنت تفهمی (Comprehensive) و مفهوم کنش از دیدگاه ماکس وبر. نزد دورکیم کنش اجتماعی چگونگی عمل، تفکر و احساس است که واجد اجبار و الزامی خارج از فرد بوده و خود را بر آن تحمیل می‌کند.(گی‌روشه، ۱۳۶۷، ص ۲۵) بدین ترتیب بیرونی بودن و جبری بودن کنش از نظر دورکیم دو معیار مهم است. از دیدگاه دورکیم «وجدان جمعی» مجموعه‌ای از عمل، تفکر و احساسی است که میراث مشترک یک جامعه معین را تشکیل داده، در طول تاریخ به وجود می‌آید و نسل به نسل از طریق تعلیم و تربیت به افراد آن جامعه منتقل می‌شود. بنابراین کنش فردی در نظر دورکیم تحت تأثیر فشار وجدان جمعی یا محیط اجتماعی قرار می‌گیرد. از دیدگاه وی تمایل به کنش، گرچه تحت تأثیر شرایط روانی است اما بیش از آن از شرایط اجتماعی متأثر است که این تمایل را هدایت می‌کنند. یکی از جدی‌ترین بحث‌های دورکیم تمایل هنجاری کنش است. قواعد، هنجارها، و مدل‌های فرهنگی تمایل به کنش ما را هدایت کرده و جهت می‌دهند.

برخلاف دیدگاه اثباتی دورکیم که بیشتر به وجه بیرونی و عینی کنش توجه می‌کند، دیدگاه تفهمی وبر، درک تفسیری و ذهنی‌تری از کنش را ارائه می‌دهد. از نظر ماکس‌وبر (max weber) کنش در صورتی اجتماعی است که فرد یا افرادی که رفتار می‌کنند و برای آن معنای ذهنی قائلند، رفتار دیگری را مدنظر قرار داده و در جریان رفتار خود از آن متأثر شوند.(همان منبع، ص ۲۱) کنش اجتماعی ممکن است شرکت فعال در موقعیتی بخصوص یا اعراض عمدی از آن و یا پذیرش منفعلانه باشد. کنش اجتماعی می‌تواند معطوف به رفتار گذشته، حال یا آینده دیگران باشد. پول از آن جهت وسیله مبادله است که افراد انتظار دارند دیگران آن را در معامله بپذیرند. تولید کننده‌ای که در تولید اقتصادی خود، مصرف کنندگان یا مشتریان را مدنظر قرار می‌دهد وارد کنش اجتماعی شده است در حالی که رفتار مذهبی در انزوا از آنجا که متوجه دیگری نیست، کنش اجتماعی محسوب نمی‌شود.

با نگاهی گذرا به مفهوم کنش در جامعه‌شناسی می‌توان این نتیجه را گرفت که بین رفتار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

(Behavior) و کنش (Action) از منظر دانش اجتماعی تفاوت محسوسی وجود دارد. هر کنشی را می‌توان رفتار به حساب آورد اما هر رفتاری را نمی‌توان کنش اجتماعی دانست. کنش اجتماعی متوجه زمینه‌ها، منابع، بسترها، تأثیرات و تأثرات رفتار است. بدین ترتیب ما با توجه کردن به نظریه کنش در تحلیل عملکرد اقتصادی به عنوان عملکرد اجتماعی، در واقع در راه واقع نماتر شدن نظریه اقتصادی گام برداشته‌ایم. توجه به مفاهیم و نکات بالا باعث خواهد شد با اتخاذ دیدگاه بین رشته‌ای ما به جای "رفتارشناسی اقتصادی" مرسوم در اقتصاد ارتدوکس به سمت "کنش‌شناسی اقتصادی" حرکت کنیم.

سرمایه اجتماعی و کنش اجتماعی

سرمایه اجتماعی با کنش اجتماعی چه رابطه‌ای دارد و چگونه می‌توان آن را با توجه به بحث کنش اجتماعی توضیح داد؟ نگاهی به منابع مربوط به بحث سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که مفهوم «سرمایه اجتماعی» می‌تواند به نحو شایسته با توسل به مفهوم کنش اجتماعی توضیح داده شود، چراکه ویژگی‌های سرمایه اجتماعی معطوف به کنش اجتماعی است. ***سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش است، آن را غنی می‌سازد، منبع کنش اجتماعی است و نیز محمل و حاصل آن است.*** همانطور که در بحث‌های بعدی خواهیم دید وقتی کنش اجتماعی حامل سرمایه اجتماعی باشد هم قابلیت گسترش دارد و هم غنی‌تر خواهد بود. سرمایه اجتماعی باعث خواهد شد که کنشگر اجتماعی ضمن احساس رضایت درونی از کنش خود با اطمینان خاطر به کنش‌های مرتبط دیگر نیز وارد شود. سرمایه اجتماعی کنش را از حالت رفتار مکانیکی خارج کرده و تشویق کننده کنشگر است.

سرمایه اجتماعی، کنش را تبدیل به جریان می‌کند. توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی باعث می‌شود تا کنش بصورت اتمی و ایستا دیده نشود. از این دیدگاه، اینگونه نیست که کنش کنشگر از یک جا شروع و به جای دیگر ختم شود. نظریه سرمایه اجتماعی، کنش را در یک ساختار و در یک جریان می‌نگرد به نحوی که هر کنش نتیجهٔ انباشت است و خود نیز انباشتی را موجب می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

نکته دیگر آن است که سرمایه اجتماعی باعث سهولت کنش می‌شود. اگر کنشگر اقتصادی واجد میزان معینی از سرمایه اجتماعی باشد با سهولت بیشتری وارد کنش‌های بعدی اقتصادی می‌شود و در صورت فقدان سرمایه‌های اجتماعی، کنش‌های اقتصادی به سختی رخ خواهند داد. به علاوه از دیدگاه اقتصاد نهادگرا، فقدان سرمایه اجتماعی، هزینه‌هایی را بر کنش بار می‌کند، هزینه‌هایی که تحت عنوان هزینه‌های معاملاتی (Transaction Cost) نامیده شده است. در یک تعریف عام هزینه‌های معاملاتی هزینه‌های نرم‌افزاری برقراری رابطه بین انسان‌ها هستند. هر چه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد سهم هزینه‌های معاملاتی در کنش‌های اجتماعی کمتر خواهد بود.

با توجه به نکات بالا، ذکر یک نکته ضروری است و آن این که سرمایه اجتماعی ویژگی کنش است اما در تحلیل نباید از یاد برد که سرمایه اجتماعی خود کنش نیست. به یاد داشتن این نکته از سوء برداشت‌ها در تعریف سرمایه اجتماعی جلوگیری می‌کند. به عنوان مثال آنها که سرمایه اجتماعی را معادل مشارکت یا اعتماد می‌گیرند باید به این امر توجه داشته باشند که سرمایه اجتماعی حاصل شرکت در یک کنش مشارکت‌آمیز یا کنشی مبتنی بر اعتماد است نه آنکه خود کنش باشد.

سرمایه اجتماعی

به منظور اتخاذ دیدگاه دقیق‌تر و صورت بندی روشن‌تری از «سرمایه اجتماعی» این مفهوم را از دیدگاه صاحب نظران پی می‌گیریم:

دربارهٔ زمان و مکان باب شدن مفهوم «سرمایه اجتماعی» هنوز توافق جدی وجود ندارد. برخی منابع معتقدند اولین بار واژه سرمایه اجتماعی در سال ۱۹۱۹ در مقاله‌ای توسط شخصی بنام هانی‌فن (Hanifan) که در آموزش و پرورش ایالت ویرجینیای امریکا خدمت می‌کرد به کار گرفته شد. بعدها در سال ۱۹۷۰، جیمزکلمن (James Coleman) فصل مهمی از کتاب «بنیان‌های نظریه اجتماعی» خود را به بحث سرمایه اجتماعی اختصاص داده و در سراسر کتاب نیز به توضیح عناصر و اجزای آن پرداخت. اما معروف‌ترین کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

مطالعه ۲۰ ساله رابرت پاتنام (Robert Putnam) در ایتالیا صورت گرفت. حاصل این مطالعه طولانی که شرح آن خواهد آمد در کتابی با نام «دموکراسی و سنتهای مدنی» که به فارسی نیز ترجمه شده، انتشار یافته است. در قسمت‌های بعد شرح کامل‌تری از نظرات پاتنام و کلمن ارائه خواهد شد.

سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام

مطالعه پاتنام به همراه دو همکار ایتالیایی‌اش در پی اصلاحاتی انجام شد که حکومت مرکزی ایتالیا جهت تمرکز زدایی و گسترش دمکراسی از طریق ایجاد حکومتهای منطقه‌ای صورت داد. پاتنام پس از مدتی مطالعه با این سؤال آغاز کرد که با وجود سیاستهای مشخص و یکسان دولت مرکزی چرا نهادهای دمکراتیک در شمال ایتالیا کارآمدتر از جنوب عمل می‌کنند. به علاوه چه عاملی اختلاف رشد اقتصادی شمال و جنوب ایتالیا را توضیح می‌دهد؟

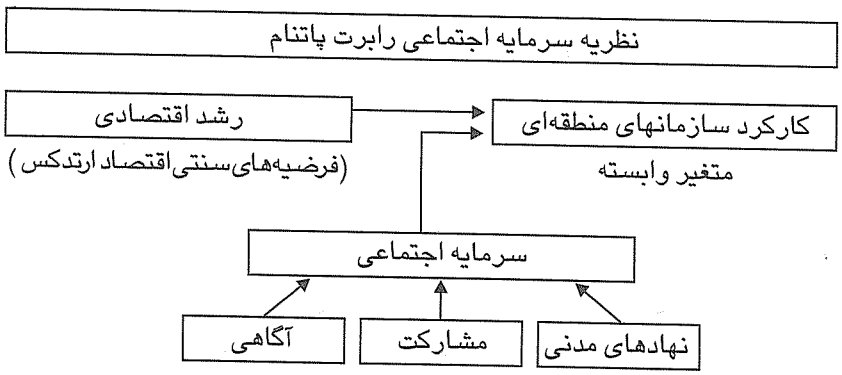
در شمال ایتالیا نهادهای جمعی بهتر کار می‌کردند، مردم بیشتر در انتخابات شرکت می‌کردند و عملکرد سازمان‌های اداری مطلوب‌تر بود. در حالی که در جنوب، ادارات پاسخگوی شهروندان نبودند و شهروندان نیز به حکومت منطقه‌ای اعتمادی نداشتند. پاتنام برای مطالعه کارکرد سازمان‌های منطقه‌ای بعنوان متغیر وابسته، دو متغیر مستقل یعنی رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی را در نظر گرفت. برای سنجش رشد اقتصادی از شاخص‌های اقتصادی مرسوم مانند میزان با سوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت و غیره بهره جست و برای سنجش سرمایه اجتماعی از سه شاخص آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی استفاده نمود. پاتنام در مطالعه خود که بخش زیادی از آن به پتانسیل‌های تاریخی نهادها و مشارکت مدنی در جنوب ایتالیا اختصاص داشت به این نتیجه رسید که این سرمایه اجتماعی است که کارکرد سازمانهای منطقه‌ای را بهتر توضیح می‌دهد.

از نظر رابرت پاتنام منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند.(رابرت پاتنام، ۱۳۷۷، ص ۲۵۱) با سرمایه اجتماعی همکاری ارادی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

کنشگران اجتماعی تسهیل می‌گردد.

نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام



سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن

سرمایه اجتماعی از نظر جیمزکلمن منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد محسوب می‌شود. این دارایی شیء واحدی نیست بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند. بدین ترتیب از نظر کلمن سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از ساختار اجتماعی برای کنشگران است که می‌تواند به عنوان منبع و سرمایه، باعث تحقق علائق ایشان شود. کلمن اشکال سرمایه اجتماعی یا ویژگی روابط اجتماعی راکه منبع سرمایهٔ سودمندی برای افراد است در موارد ذیل می‌داند:

۱ـ نظام تعهدات و انتظارات: اگر کنشگر A برای B کاری انجام دهد با اعتماد به این که B در آینده آن را جبران خواهد کرد، این امر انتظاری را در A و تعهدی را در B برای حفظ اعتماد ایجاد می‌کند. این تعهد مانند برگه‌ای اعتباری در دست A است و اگر او تعداد زیادی از این برگه‌ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

از افرادی که با آنها رابطه دارد در دست داشته باشد، مانند سرمایه مالی بزرگی برای A اعتباری را ایجاد می‌کند که در صورت لزوم می‌تواند از آن استفاده کند. در اینجا دو عامل مهم وجود دارد این که تا چه حد محیط اجتماعی در خور اعتماد است، یعنی تعهدات بازپرداخت می‌شود و دیگر این که میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده تا چه حد است. ساختارهای اجتماعی از این دو نظر با یکدیگر فرق دارند.

۲ـ ظرفیت بالقوه اطلاعات: اطلاعات جزء ذاتی روابط اجتماعی است. روابط اجتماعی وسیله کسب اطلاعات است. انسانها بیشتر اطلاعات لازم خود را از طریق دوستان، همکاران و همسایگان به دست می‌آورند. روابط اجتماعی در این مورد شکلی از سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند که از طریق اطلاعاتی که کنش را تسهیل می‌کنند، فراهم می‌شود. در اینجا صرف رابطهٔ اجتماعی پایه مبادله اطلاعات و تشکیل سرمایه اجتماعی است.

۳ـ هنجارها و ضمانت‌های اجرایی موثر: هنجارهای اجتماعی گاه در ایجاد سرمایه اجتماعی مؤثرند و گاه از میزان آن می‌کاهند. برخی هنجارها متضمن بی توجهی به منافع شخصی و توجه به کنش جمعی‌اند. هنجارهایی از این دست که با حمایت، احترام، پایگاه اجتماعی یا پاداش‌های دیگر همراهند، نوعی سرمایه اجتماعی برای یک جامعه محسوب می‌شوند. بدین ترتیب هنجارهای مؤثر می‌توانند شکل قدرتمندی از سرمایه اجتماعی باشند.

۴ـ روابط اقتدار: به میزانی که عده‌ای کنشگر، حقوق کنترل کنش‌های خاصی را به کنشگری مانند کنشگر A انتقال دهند او مقداری سرمایه اجتماعی در اختیار دارد که می‌تواند با اتکا بر آن بر فعالیتهای معینی تمرکز کند.

۵ـ سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر: سازمانی که برای مجموعه‌ای از هدف‌ها به وجود آمده باشد می‌تواند تحت شرایطی خاص رسیدن به هدف‌های دیگر را تسهیل نماید و بنابراین سرمایه‌ای اجتماعی است که می‌تواند در انواع هدف‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در واقع وقتی کنشگران در یک رابطه اجتماعی، سازمانی را برای هدفی بنیان می‌گذارند، منافع آن نه فقط منافعی است که به طور مستقیم دریافت می‌شود بلکه منافع غیر مستقیم آن بیشتر سرمایه‌ای اجتماعی است که به کار هدف‌های دیگری می‌آید. در واقع در اینجا هدف تأکید بر این نکته

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

است که سرمایه اجتماعی می‌تواند محصول فرعی فعالیت‌هایی باشد که برای مقاصد دیگری صورت می‌گیرند. سازمان روابط اجتماعی خاص عمدتاً دو محصول فرعی ایجاد می‌کنند یکی آن که منافعشان برای مقاصد دیگر نیز انطباق‌پذیر است و دوم این که منفعتی عمومی تولید می‌کنند که در دسترس دیگران قرار می‌گیرد، خواه آن دیگران در ایجاد آن مشارکت داشته باشند یا نداشته باشند.

چرا سرمایه اجتماعی سرمایه است؟

اصطلاح «سرمایه» (Capital) یکی از مهمترین مفاهیم اقتصادی است که در بحث سرمایه اجتماعی با رویکرد بین رشته‌ای در خلق مفهوم جدیدی به‌کار برده شده است و ضرورتاً صبغه اقتصادی ندارد. به همین دلیل ممکن است شبهاتی را برانگیزد. برای بر طرف شدن هرگونه شبهه‌ای باید دانست که در بحث سرمایه اجتماعی، اصطلاح سرمایه حکم استعاره را دارد و باید بین کاربرد آن در اینجا با مفهوم متعارف اقتصادی آن تمایز گذارده شود.

یکی از ویژگی‌های سرمایه در اقتصاد آن است که با مالکیت عجین است. به این معنی که سرمایه مالک دارد و قانون حق مالکیت را حمایت، اعمال یا محدود می‌کند. دوم آن که سرمایه وقتی کارایی دارد که از آن انتظار بازدهی وجود داشته باشد و نیز انگیزه استفاده از سرمایه، رسیدن به محصول آن یعنی سود است. در نهایت این که در صورتی که غیر از مقوله سرمایه گذاری از سرمایه استفاده شود، سرمایه کم می‌شود. نکته قابل توجه آن که هیچ یک از ویژگی‌هایی که برشمردیم در کاربرد اصطلاح «سرمایه» در مفهوم «سرمایه اجتماعی» وجود ندارد.

فرد مالک سرمایه اجتماعی نیست. نه فرد و نه جامعه حق قانونی اجرای حق مالکیت را در سرمایه اجتماعی ندارد. به علاوه انگیزه اصلی استفاده از سرمایه اجتماعی، محصول، بازدهی و سود نیست. سود حاصل از سرمایه اجتماعی جنبه فرعی دارد. افراد با یکدیگر جمع می‌شوند تا کاری را صورت دهند و رفته رفته اعتماد، همکاری و همبستگی بین آنها بالا می‌رود اما هیچ جمعی به قصد بالا بردن اعتماد تشکیل نمی‌شود. به همین دلیل هم ایجاد اعتماد و همکاری محصول مستقیم تشکیل یک جمع نیست و از این رو، استفاده از سرمایه اجتماعی غیر عمدی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

است در حالی که استفاده از سرمایه در مفهوم اقتصادی آن عمدی است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که لفظ سرمایه در اینجا جنبه استعاری دارد اما با وجود در نظر گرفتن این نکته این سوال به جای خود باقی است که چرا سرمایه اجتماعی، سرمایه است؟

جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را نوع خاصی از ذخایر و مفاهیمی می‌داند که در دسترس کنشگر قرار می‌گیرد. او در کتاب «بنیادهای نظریه اجتماعی» بر وجه سرمایه‌ای بودن سرمایه اجتماعی صحه می‌گذارد. همان طور که قبلاً نیز ذکر گردید او می‌گوید اگر فرد A برای فرد B کاری را انجام دهد با اعتماد به این که B در آینده آن را جبران می‌کند، این امر انتظاری را در A و تعهدی را از جانب B برای حفظ اعتماد ایجاد می‌کند. این تعهد را می‌توان مانند «برگه‌ای اعتباری» در نظر گرفت که در دست A است و باید با عملکردی از طرف B بازخرید شود. اگر A تعداد زیادی از این برگه‌های اعتباری از تعدادی افراد که با آنها رابطه دارد در دست داشته باشد در آن صورت همانند با سرمایه مالی مستقیم است. این برگه‌های اعتباری مجموعه اعتباری بزرگی را تشکیل می‌دهند که A می‌تواند در صورت لزوم از آنها استفاده کند.(کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۷). با این تعبیر سرمایه اجتماعی به عنوان ذخیره و منبعی سودمند باعث تسهیل کنش‌های کنشگران می‌گردد.

سرمایه اجتماعی کنشهای معین کنشگران را بارور و مستعد می‌سازد، مانند اشکال دیگر سرمایه مولد است و امکان دسترسی به اهداف خاصی را فراهم می‌کند؛ اهدافی که بدون وجود این سرمایه قابل تحقق نخواهد بود. سرمایه اجتماعی نیز مانند انواع دیگر سرمایه (سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) خاص فعالیت‌های معینی بوده و بدیلی ندارد. چراکه شکل خاصی از سرمایه اجتماعی که در کنش‌های خاصی با ارزش است ممکن است در کنش‌های دیگری بی فایده و یا حتی ضربه زننده باشد.(Coleman, 1994) بدین ترتیب جنبه‌های ذکر شده و معانی خاصی که صاحبنظران این حوزه برای بحث دربارهٔ سرمایه اجتماعی برگزیده‌اند، همه بیانگر ذخایری برآمده از روابط اجتماعی است که کنش کنشگران را بارور و مستعد می‌سازد و در حکم سرمایه‌ای ارزشمند، آنها را تسهیل می‌کند. از این نظر سرمایه‌ای که کنشگران در همکاری و مشارکت با یکدیگر، آگاهی یا اعتماد بدست می‌آورند، هم مولد است و هم منبع حرکت دهندهٔ کنش‌های بعدی و به همین دلیل هم «سرمایه» است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

سرمایه اجتماعی و توسعه

توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی چه تأثیری در تصحیح دیدگاه‌های ما در باب توسعه دارد؟ آیا به دانش نظری ما در باب توسعه که خود پایه استراتژی‌ها، برنامه ریزی‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای در جامعه است کمکی می‌کند؟

برای پاسخ به سؤالات یاد شده، باید توجه داشته باشیم که اگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را - که ذکر آن رفت - در طراحی و تجویز مدل توسعه برای جامعه در نظر بگیریم بی‌تردید برداشت ما از توسعه اجتماعی - اقتصادی متفاوت از زمانی خواهد بود که بسترهای نهادی، نظام ارزشی، باورها، هنجارها، سازمانها و ساختارهای اجتماعی را نادیده بگیریم و کسب حداکثر سود و درآمد را یگان محرک رفتار اقتصادی به حساب آوریم. در نظر گرفتن مؤلفه‌های ذکر شده در این مقاله در واقع کمک به تغییر جهت نگاه ما به توسعه است؛ توسعه‌ای که با اتکا با ساختارها و نهادهای اجتماعی عمیق‌تر و پایدارتر است.

با عنایت به مفهوم سرمایه اجتماعی می‌توان توسعه را غنی سازی کنش‌های اجتماعی ناشی از افزایش تمایل به مشارکت و اعتماد اجتماعی دانست. در این صورت گذر به سوی توسعه از مسیر ایجاد نهادها، تعادل‌های ارزشی، باورها و هنجارها و ساختارهای مولد و مشوق سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر خواهد بود.

برعکس، در صورت تسلط دیدگاه رفتار شناسانه اقتصادی، روش‌هایی مانند افزایش سرمایه گذاری، واردکردن تکنولوژی و افزایش جمعیت شروط لازم یا کافی برای رشد اقتصادی خواهند بود. در صورت توجه به مفهوم «سرمایه اجتماعی»، راه حل حرکت روبه توسعه جامعه، طراحی، تقویت و یا روزآمد کردن غیرمستقیم نهادها و ساختارهای اجتماعی است به نحوی که آنها بتوانند کنش‌های اقتصادی را تسهیل کرده و هزینه‌های معاملاتی راکم کنند. توجه به سرمایه اجتماعی می‌تواند نه فقط از کانال سرمایه‌گذاری فیزیکی بلکه به صورت غیرمستقیم از طریق کاهش هزینه‌های معاملاتی در جامعه و با غنی‌ترکردن کنش‌های افراد باگسترش کنش‌ها و ایجاد رضایت از انتخاب فردی و کنش اجتماعی، موجد حرکت جامعه به سمت توسعه باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

ضرورت طرح بحث سرمایه اجتماعی در ایران

از آنچه تا اینجا مورد بحث قرار گرفت می‌توان به طور ضمنی دریافت که طرح بحث سرمایه اجتماعی در ایران می‌تواند با تصحیح دیدگاه ما نسبت به مباحث توسعه چشم اندازهای جدیدی پیش روی ما قرار دهد. به طور خلاصه پذیرش مفهوم سرمایه اجتماعی به معنای توجه به جنبه‌ها و بسترهای غیراقتصادی کنش اقتصادی و جنبه‌های اجتماعی آن بیشتر یک تفکیک انتزاعی است که فقط امکان فرضیه‌سازی در حوزهٔ نظری علم اقتصاد را فراهم می‌سازد اما در مقام سیاستگذاری عملی بی‌توجهی به این جنبه‌ها و حتی قائل شدن به تفکیک‌های تصنعی می‌تواند ضریب موفقیت سیاستگذاری را مورد تردید قرار دهد. به عنوان مثال عملی می‌توان از سیاست‌های تعدیل که بر محور واگذاری امور به بازار، کاهش تصدی دولت و مقررات زدایی استوار است نام برد. از آنجا که بازار یک نهاد اقتصادی حک شده (embedded) در مجموعه‌ای از نهادهای غیر اقتصادی است موفقیت سیاست‌های تعدیل و عملکرد مطلوب نظام بازار منوط به وجود و عملکرد مطلوب نهادهای غیر اقتصادی محیط بر بازار است. بازار محل مبادله است و شرط کارآمدی مبادلات آن است که هزینه‌های مبادلات به نحو معقولی کم باشد. وجود اعتماد، شبکه‌های حاوی اطلاعات کافی برای مبادله، میل به مشارکت و غیره می‌تواند کارایی عملکرد بازار را به نحو چشمگیری افزایش دهد.

از سویی دیگر شرط لازم برای آنکه سیاست‌های اعلام شده از طرف دولت در عمل موفقیت‌آمیز باشد، آن است که اقشاری که سیاست مزبور به ایشان اصابت می‌کند برای آن سیاست‌ها مشروعیت قائل باشند. وجود حس اعتماد بین شهروندان (پذیرندگان سیاست) و دولت (سیاستگذار) بر ضریب موفقیت سیاست می‌افزاید.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که طرح بحث سرمایه اجتماعی در حوزهٔ توسعه، دیدگاه‌های یک جانبه‌گر اقتصادی ما را تصحیح می‌کند و این امر در جامعه‌ای که بیشتر بر روابط سنتی (و حتی قبیله‌ای و قومی) استوار است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. وجود نهادهای مدرن به معنای آن نیست که نهادهای سنتی در عمل کار نمی‌کنند. این نهادها در عرصه جامعه به قوت به حیات خود ادامه می‌دهند و موفقیت توسعه اقتصادی پایدار که به زیر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

ساخت‌های اجتماعی توجه دارد در آن است که بتواند نهادهای مدرن را با ساختارهای سنتی منطبق و همسو سازد. ضرورت بحث سرمایه اجتماعی در کمک به این همسو سازی نهفته است.

علاوه بر دیدگاه فوق، از دیدگاه اجتماعی نیز می‌توان برای طرح بحث سرمایه اجتماعی ضرورت‌هایی را برشمرد. یکی از جدی‌ترین مباحث، بحث مشکلات اجتماعی است. گر چه دربارهٔ رابطه سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی تحقیق جدی صورت نگرفته است اما از مهمترین فرضیه‌های مطرح شده در باب سرمایه اجتماعی، تأثیر آن بر مشکلات اجتماعی است. فوکویاما یکی از راههای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی از قبیل آمار جرایم، آمار طلاق و مصرف مواد مخدر، آمار طرح دعاوی در محاکم، خودکشی یا جرایم اقتصادی مانند میزان فرار از پرداخت مالیات و سایر مشکلات اجتماعی می‌داند. براساس این دیدگاه مشکلات اجتماعی نشانه‌ای از نبود سرمایه اجتماعی است و معنی ضمنی افزایش آنها، کم شدن آن نوع از روابط و مناسبات اجتماعی است که ذخیره و سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند، سرمایه‌ای که اگر وجود می‌داشت یا میزان آن به حد مطلوبی در جامعه جریان داشت قادر بود کنش‌ها را در زندگی اجتماعی بارور، مستعد و توانا سازد.

بدین ترتیب یکی دیگر از ضرورت‌های بحث سرمایه اجتماعی در ایران وجود آسیب‌ها و افزایش مشکلات اجتماعی است که به اعتراف کارشناسان و صاحبنظران حوزه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی در حال تبدیل شدن به مهمترین دغدغه تصمیم گیران و مدیران است. بنابراین براساس فرضیه‌های مطرح شده از سوی صاحبنظران حوزه سرمایه اجتماعی، افزایش مشکلات اجتماعی و جرایم در ایران می‌تواند نشانه‌ای از افت تدریجی سرمایه اجتماعی قلمداد گردد.

نکته آخر آن که، افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند به دلیل غنی سازی کنش اجتماعی و معنا بخشیدن به آن، انگیزه‌های حضور در زندگی اجتماعی را پر رنگ‌تر کرده و به آن نشاط بخشد و تداوم آن را تضمین کند. هر چند این مفاهیم تا حدی کلی و به همان نسبت فعلاً غیر قابل اندازه‌گیری دقیق هستند اما می‌توان امیدوار بود سرمایه اجتماعی عاملی باشد که بتواند جامعه را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

از عرصه تک ساحتی رقابت به عرصه چند ساحتی رقابت، مشارکت، همکاری و اعتماد متقابل سوق دهد. از آنجاکه همکاری اجتماعی نوعی کنش توأم با ریسک است، وجود میزان معینی از سرمایه اجتماعی می‌تواند ظرفیت‌هایی را برای کاستن از میزان این ریسک ایجاد کند. برای مثال اعتماد به نهادهای تأثیرگذار اجتماعی می‌تواند میزان مشروعیت این نهادها را افزایش دهد و به همان نسبت بر بهبود عملکرد ایشان بیفزاید.

در هر حال با وجود همه آنچه گفته شد باید در نظر داشت سرمایه اجتماعی کودکی است تازه متولد شده. باید امیدوار بود متفکران حوزه‌های مختلف اجتماعی با تصریح و تنقیح این نظریه بر قدرت توضیح دهندگی آن بیفزایند و امکان کاربرد آن را گسترش دهند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

منابع References

۱- چلبی، مسعود: جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.

۲- نورث، داگلاس، سی: نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.

۳- روشه، گی: کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۷.

۴- پاتنام، رابرت: دمکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۷.

۵- کلمن، جیمز: بنیادهای نظریه اجتماعی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.

6- Woolcock, M: Social capital and economic development: toward a theoritical synthesis and policy framework, theory and society, 1997.

7- Coleman, James. S: Social capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology, 1988, Vol 94, PP 95-120.

8- Portes, A: Social capital: its Origins and Application in Modern sociology, Annual Review of sociology, 1998, vol 22, pp 1-24.

9- Fukuyama, F: Social capital and Civil society, www.IMF.org, 1999.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]

10- Putnam, R.D.: The prosperous community: social capital and pwolic life, American prospect, vol 4, No13, 1993, pp 35-42.

11- Coleman, J.S: Fundation of social theory, cambridge, MASS: Harvard university press, 1994.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-10]